

پژوهش‌ها در معمار اسلامی ۸

شماره شایا: X-980 - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال سوم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۴

- ▣ انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی - اسلامی
محمد رضا پورجعفر / علی پورجعفر / سیما صفدری
- ▣ تدقیق مفهومی و تشریح راهکارها و شاخص‌های تحقق‌سنجی چهار اصل مسجد محوری،
محله محوری، درون‌گرایی و طبیعت‌گرایی در شهر ایرانی اسلامی
ابوالفضل مشکینی / مهدی حمزه نژاد / اکرم قاسمی
- ▣ تجلی مفهوم درون‌گرایی در بازارهای ایرانی
حسن سجاذاده / رویا اعتصامیان / لیلا خزایی
- ▣ آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام
محمد نقی زاده
- ▣ بررسی تأثیر مزارات در توسعه‌ی ساختار شهری شهر تبریز از دوره‌ی ایلخانی تا صفوی
لیدا بلیان اصل / فهیمه دوستار
- ▣ بررسی چگونگی انتظام شبستان در مساجد تاریخی شیراز
زهرا توکلیان / سارا بهمنی کاررونی
- ▣ مضمون کتیبه‌های قرآنی در محراب‌های گچی عصر ایلخانیان
عاطفه شکفته
- ▣ تأملی در باب هویت دو آرامگاه هشت ضلعی گنبددار کشیت و نسک؛ بخش گلباف کرمان
محمد ابراهیم زارعی / یداله حیدری باباکمال / مجید منتظر طهوری



شماره شایا: X 980 - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی

سال سوم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۴



مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: مهندس عبدالحمید نقره کار

مدیر داخلی: دکتر محمد منان رئیسی

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی

لیست داوران این شماره:

دکتر بهمن ادیب زاده: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
 دکتر حسین اسمعیلی سنگری: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی
 دکتر آریتا بلالی اسکویی: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
 دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر مهدی خاکزند، استادیار دانشگاه علم و صنعت
 دکتر لیلا رحیمی: استادیار دانشگاه تبریز
 دکتر احسان رنجبر: استادیار دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر زهرا رهبرنیا: دانشیار دانشگاه الزهرا (ع)
 دکتر محمدمنان رئیسی: استادیار دانشگاه علم و صنعت
 دکتر محمدحسین ذاکری، استادیار دانشگاه شیراز
 دکتر رضا سامه: استاد یار دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین
 دکتر مینو قره بیگلر: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
 دکتر علی عمرانی پور: استادیار دانشگاه کاشان
 دکتر محمدباقر کبیرصابر: استادیار دانشگاه تهران
 دکتر منصوره طاهباز: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
 دکتر جعفر طاهری: استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
 دکتر ابوالفضل مشکینی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر قاسم مطلبی: استادیار دانشگاه تهران
 دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر سیدرسول موسوی حاجی: دانشیار دانشگاه مازندران
 دکتر صلاح الدین مولانایی: استادیار دانشگاه کردستان
 دکتر مسعود ناری قمی: مدرس دانشگاه کاشان
 دکتر احد نژاد ابراهیمی: استاد یار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
 دکتر طاهره نصر: استادیار دانشگاه شیراز
 دکتر محمدنقی زاده: استادیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
 دکتر پریسا هاشم پور: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
 دکتر بهزاد وثیق: استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور
 دکتر معصومه یعقوبی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات
 وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶/۱۸۳/۳ مورخ
 ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر محسن فیضی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر حمید ماجدی: دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمدنقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: دانشیار وزارت علوم تحقیقات، فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / تلفن مستقیم: ۰۲۱-۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی رایانامه: jria@iust.ac.ir / نشانی وب: <http://iust.ac.ir/jria>


محمد نقی زاده*

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات دانشکده هنر و معماری (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۶/۱۷

چکیده:

علی‌رغم آن که به تناسب و در مواضع و جایگاه‌های گوناگون، افراد بسیاری (از جوامع علمی، آموزشی، مدیریتی، حرفه‌ای و اجرایی) از «شهر اسلامی» و «شهر آرمانی اسلام» سخن می‌گویند؛ اما تعریف دقیق متکی بر متون و نصوص اسلامی به ویژه درباره‌ی «شهر آرمانی اسلام» در دسترس نیست. به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین تعریف را می‌توان و باید از متون اصیل اسلامی و به ویژه از قرآن کریم استنتاج کرد. به همین جهت، با تبیین ویژگی‌هایی که برای شناخت و تعریف هر پدیده لازم است (که در «مبانی»، «ارکان»، «الگو»، «صفات» و «اصول» خلاصه می‌شوند)؛ مقاله‌ی حاضر بر آن خواهد بود تا این ویژگی‌ها را برای «شهر آرمانی اسلام» از قرآن کریم استنتاج نماید.

به بیان دیگر، مقاله این نظریه را مطرح می‌کند که شناخت شهر آرمانی اسلام و ویژگی‌های اصلی و اصیل آن با مراجعه به قرآن کریم امکان‌پذیر است. طبیعی است که در مراجعه به قرآن کریم (با عنایت به جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن مفاهیم و مطالب وحیانی این کتاب الهی) تعریف و ویژگی‌هایی که استنتاج خواهند شد موضوعاتی اصیل و جامع و عام خواهند بود؛ که عینیت و ظهور و بروز یافتن آنها منوط به رعایت فرهنگ بومی، شرایط سرزمینی، وضعیت اقتصادی، فن‌آوری در دسترس و سایر شرایط زمانی و مکانی خواهد بود؛ که البته همه‌ی این شرایط باید در فضای تفکر دینی (جهانبینی توحیدی) مورد توجه قرار گیرند.

در تبیین سؤالات اصلی تحقیق که مقاله در پی پاسخگویی آنها برای اثبات نظریه‌ی خویش است نیز عبارتند از:

۱. روش بهره‌گیری از متون مقدس (و به ویژه قرآن کریم) برای شناخت ویژگی‌های اصیل شهر آرمانی اسلام کدام است؟
 ۲. برای شهر آرمانی اسلام چه تعریفی را می‌توان ارائه کرد؟ و اصلی‌ترین ویژگی‌های آن مطابق آموزه‌های قرآنی کدامند؟
- درباره‌ی روش تحقیق مورد استفاده‌ی مقاله نیز قابل ذکر است که با توجه به زمینه‌های بحث و موضوعات متنوعی که در آن مطرح می‌شوند؛ از روش‌های تحقیق اکتشافی، تفسیری، قیاسی و تحلیلی استفاده خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: شهر آرمانی اسلام، شهر اسلامی، متون مقدس، قرآن کریم، جهانبینی توحیدی، فرهنگ، شهرسازی، شهر.



(یعنی آنچه که باید باشد و آن شهر مطلوبی که جامعه‌ی اصیل اسلامی باید به سمت آن حرکت کند) سدّ راه است سیطره‌ی آراء و اظهار نظرهای غربیان و مستشرقین بر جوامع علمی کشورهای مشرق‌زمین بر این تعریف است. این سیطره چنان گسترده و همه‌جانبه است که حتی تشخیص صحیح داشته‌ها و متعلقات این جوامع را برای خودشان نیز دشوار می‌نماید. این سیطره، در مقوله‌ی شهر و معماری و هنر و تاریخ و آثار تاریخی و حتی برخی مضامین دینی و ادبی و عرفانی نیز به شدت احساس می‌شود (آل احمد ۱۳۴۱؛ سعید ۱۳۶۱؛ همو ۱۳۸۳ و نقی‌زاده ۱۳۸۹)؛ و طبیعتاً تبعات منفی خود را در استحاله‌ی هویتی و فرهنگی جامعه بر جای خواهد گذاشت.

اشتباهاتی چون «اسلام را مترادف با عرب دانستن شهر»، «عدم توجه به امکانات تجلی متفاوت تعالیم اسلام در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت»، «بی‌توجهی به آثار ناشی از جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن تعالیم اسلام» و «ملی‌گرایی‌های افراطی» در ارائه‌ی این نظرات مؤثر بوده‌اند (براون ۱۹۷۳؛ لاپیدوس ۱۹۸۸؛ کیوبان ۱۹۸۰؛ ابراهیمی ۱۳۷۵؛ اسلامی و مورینی ۱۳۷۵؛ حائری ۱۳۷۵؛ فرجامی ۱۳۷۵؛ افشار نادری ۱۳۷۵؛ قالیباف و پورموسوی ۱۳۸۷ و گدار ۱۳۴۵).

به هر حال برای ورود در موضوعات و مباحث اصلی مقاله اشاره به برخی نکات از جمله «ارکان شهر»، «ارتباط انسان با هستی»، «انسان» و «ساحت‌های حیات و نیازهای وی» ضرورت دارد که در این مجال مورد اشاره قرار می‌گیرند.

الف. ارکان شهر:

ارکان شهر عبارتند از:
 اول: «انسان»، متشکل از «اهل شهر» و «مدیران شهر»، که در این زمینه (یعنی درباره‌ی انسان) اصلی‌ترین موضوع جهانبینی و باورهای انسان یا جامعه‌ی مورد نظر است؛
 دوم: «ارتباطات»، که ارتباط هر دو جزء موجود در شهر را مورد توجه قرار می‌دهد و شامل فرهنگ و اخلاقیات و رفتارها و قوانین و عرف جاری در جامعه می‌شود؛ و سوم: «کالبد شهر» قرار می‌گیرد (نمودار ۱).

مصلحت دید من آنست که یاران همه کار بگذارند و سر زلف نگاری گیرند

۱. مقدمات

«شهر» جلوه‌ی دانش‌های در دسترس یک جامعه و حاصل به کار بستن آن دانش‌ها در ایجاد فضاها و محیط (به همراه ابزار و وسایلی) است که ادامه‌ی زندگی مطلوب و مورد علاقه و خواست آحاد جامعه را در آن فضا و محیط ممکن و میسر سازد. در شهر انواع هنرهای رایج در جامعه، همه‌ی رشته‌های مهندسی، همه‌ی نگرش‌ها و ارزش‌های اخلاقی جامعه، همه‌ی علوم انسانی و سایر رشته‌های علمی دست به دست هم می‌دهند تا کالبد و معنای فضا و محیط زندگی و رفتار آدمیان را تعریف کنند. تقریباً دانشی را نمی‌توان یافت که در ظهور شهر (اعم از طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت و ایجاد و تحوّل آن و همچنین در تربیت اهل شهر و تدوین قوانین و مقررات حاکم بر شهر) دخالت نداشته باشد؛ و البته نوع دخالت‌ها و نقش هر یک از دانش‌ها (بسته به زمان و مکان) با شدت و ضعف متفاوت خواهند بود. به همین دلیل است که هر مکتب فکری به تناسب شیوه‌ی از زیست که برای پیروانش تعریف می‌کند و به تبع فضاها و مکان‌هایی که آنها را برای شیوه‌ی زیست مورد نظر مناسب می‌داند؛ هم تعریفی از شهر مورد نظر خود دارد و هم این که با مراجعه به متون اصیل و اصلی آن مکتب فکری می‌توان ویژگی‌های بی‌زمان و بی‌مکانی را برای شهر آرمانی مطلوب آن مکتب دریافت که در هر زمان و مکانی جلوه‌ی خاص خود را دارند.

دین اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست. هم اصول و ارزش‌هایی را برای پیروان خویش معرفی می‌کند و هم این که مردمان را به تبعیت از آن اصول و ارزش‌ها فرامی‌خواند و هم این که با مراجعه به نصوص اصیل آن می‌توان این اصول و ارزش‌ها را بازشناخت و آنها را به عنوان اصلیت‌ترین ویژگی‌های شهر آرمانی اسلام که برای شیوه‌ی زیست مسلمانی مناسب باشد معرفی کرد.

یکی از اصلی‌ترین اشکالات و مشکلاتی که در شناخت تعریف دقیق شهر اسلامی و به ویژه شهر آرمانی اسلام



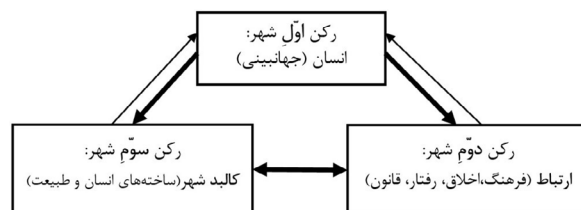


حیات او باید در نظر قرار داد، توجه به این نکته‌ی بنیادین است که بین زندگی کردن و زنده بودن تمایز و تفاوت اساسی وجود دارد؛ ضمن آن که حتی «زنده بودن» نیز در طیف وسیعی قابل‌شنایی است؛ و این طیف در برخی موجودات و به ویژه در مورد انسان مصداق دارد. در چنین شرایطی، نوع نگرش به مراتب زندگی در انسان واجد اهمیت اساسی می‌شود. مراتبی از زندگی (از قبیل زندگی گیاهی، زندگی حیوانی، حیات انسانی) برای انسان متصور است که تمرکز بر یکی از آنها، نگرش متعادل به آنها، یا استفاده از مراتبی برای رشد یک مرتبه‌ی خاص دیگر می‌تواند به زندگی انسان معنا و جهت ببخشد؛ (بهاء‌الدین عاملی، به نقل از حسن‌زاده آملی ۱۳۷۷، ۸۲۵-۸۲۴).

در زمینه‌ی شناخت ساحت‌های حیات، ذکر آراء استاد علامه طباطبایی به وضوح بحث کمک می‌کند؛ ایشان می‌گوید: «حُسن [یا زیبایی] عبارت است از هر چیزی که بهجت آورد، و انسان به سوی آن رغبت کند؛ و این حالت سه قسم است، یکی این که چیزی مستحسن از جهت عقل باشد، یعنی عقل آن را نیکو بداند، دوم این که از نظر هوای نفس نیکو باشد، سوم از نظر حسی زیبا و نیکو باشد. البته این تقسیمی است برای زیبایی از نظر ادراکات سه‌گانه‌ی انسان» (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۳۷۲)؛ و طبیعی است که هر یک از این حالات با ابزار و آلات و اعضای خاص خود درک می‌شوند.

علی‌اَیحال، طبقه‌بندی‌های متفاوتی در مورد طبقات و مراتب حیات انسان می‌توان مطرح کرد که یکی از آنها که مورد توجه ما نیز هست و در امتداد کلام مولاست؛ و به تبع سخن علامه طباطبایی بیان می‌شود، برای حیات انسان سه بُعد روحانی، نفسانی و جسمانی قابل تصور است؛ و به تناسب این سه ساحت از حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله‌ی نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی (مثل خوراک و پوشاک و مسکن و امثالهم)، نیازهای نفسانی (مثل آزادی، حب ذات و سایر نیازهای روانی) و نیازهای روحانی (مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه) تقسیم‌بندی می‌شوند. (نقی‌زاده ۱۳۸۵).

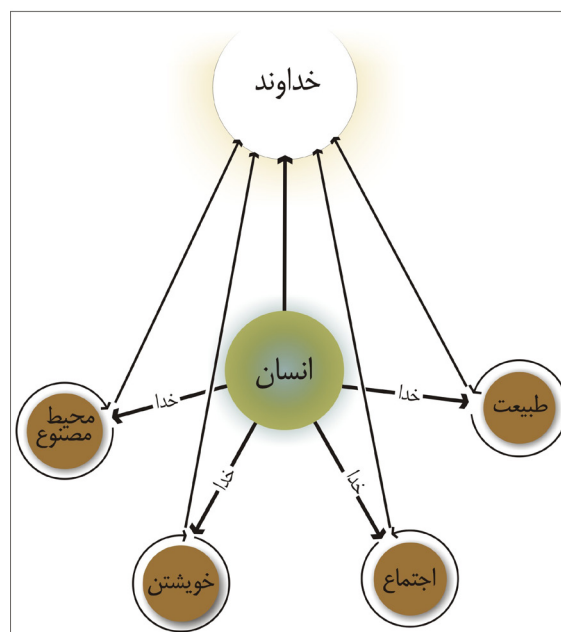
برای انسان سه ساحت وجودی متصور و قابل اثبات است؛



نمودار ۱: رابطه‌ی سه عنصر اصلی دخیل در ظهور شهر (یا ارکان اصلی یک شهر)

ب. ارتباط انسان با هستی:

ارتباطات «انسان» (که شهر برای زندگی او ساخته می‌شود) با «هستی» (که شهر در آن پدید می‌آید) عبارتند از: ارتباط با خالق هستی، ارتباط با طبیعت، ارتباط با اجتماع، ارتباط با محیط مصنوع و ارتباط با خویش (نمودار ۲). نکته‌ی بنیادین در همه‌ی این ارتباطات این است که نه تنها قبل و حین ارتباط نباید از خداوند غافل بود، که نتیجه‌ی ارتباط نیز باید سبب تقویت رابطه‌ی انسان با خداوند سبحان شود.



نمودار ۲: رابطه‌ی انسان مؤمن با عالم وجود

ج. انسان و ساحت‌های حیات و نیازهای وی:

آنچه که در مقولات مرتبط با زندگی انسان و ساحت‌های





نیز باور داشته باشد) به دنبال ساختن شهری با همه‌ی ویژگی‌های زندگی آرمانی است؛ حتی اگر آن زندگی و مکان آن زندگی آرمانی نیز در دنیای آخرت باشد، و ربطی به این دنیا نداشته باشد. به دنبال این تفکر است که در رقابت با بهشت الهی، باغ شداد (ارم) بنا می‌شود؛ یا شاهان صفوی و قاجار باغ‌هایی را با همه‌ی نعمت‌های بهشتی (!) و حتی به زعم خویش با حوریانش (!) پدید می‌آورند. این اندیشه چون (به درستی!) بهشت را آرزوی غایی می‌داند، وقتی می‌خواهد شهر آرمانی خویش در این دنیا را بسازد، سعی در ساختن بهشت دارد. غافل از آن که بهشت متعلق به آن دنیاست؛ و جزا و سرای مؤمنین و متقین است، و نه آرمانی تحقق‌پذیر در این دنیا (ر.ک: نقی‌زاده ۱۳۹۳).

اما تفکر معادگرا که تمایز بین دنیا و آخرت را به خوبی می‌شناسد، علی‌رغم آن که بهشت را مکان آرمانی انسان می‌داند، بر این باور است که این دنیا جای بهشت ساختن نیست؛ و اصولاً این دنیا نمی‌تواند بهشت باشد. بنابراین، شهر آرمانی تحقق‌پذیری در این دنیا را تعریف و تبیین می‌کند که ضمن تأمین زندگی عالی دنیوی خویش، «زمینه‌ی» وصول و ورود به آن مکان آرمانی (بهشت) را فراهم می‌کند. در واقع، شهر آرمانی این دنیایی، نه معادل و تمثیل بهشت الهی، که زمینه‌ساز ورود به آن است. صاحبان آراء مربوط به آرمان‌شهرها یا نظریه‌های در دسترس درباره‌ی آرمان‌شهرها را در هفت گروه زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد.

الف. اولین گروه شامل بسیاری از فلاسفه و حکما است که آراء و نظریاتشان معمولاً به نظام اداری و حکومتی و اندیشه و فرهنگ اهل شهر می‌پردازند. این گروه عموماً اصول حاکم بر شهر آرمانی یا آرمان‌شهر خویش را مطرح می‌کنند؛ و البته فقدان برخی ویژگی‌ها مثل ستم و زشتی را نیز ضروری می‌دانند. حکما و فلاسفه (از قبیل افلاطون، فارابی، توماس مور و سنت آگوستین) اصلی‌ترین گروهی هستند که در این باب سخن گفته‌اند (افلاطون ۱۳۵۳؛ فارابی ۱۳۷۹؛ همو ۱۳۷۶ و مور ۱۳۷۳). همچنین می‌توان به متفکرانی چون ابن‌خلدون (۱۳۵۹) اشاره کرد که همه‌ی انواع شهرها و جوامع را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ یا به

و مابه‌ازاء آنها نیز نیازهایی برای انسان قابل تعریف و شناسایی هستند. این سه ساحت عبارتند از:

۱. ساحت روح (ساحت روحانی حیات) که ارتباط انسان را با ماوراءالطبیعه مورد نظر دارد؛ که قاعدتاً نیازهای خاص خود را دارد.

۲. ساحت نفس که موضوعات روانی را در بر می‌گیرد.

۳. قلمرو جسم یا ماده که بر نیازهای فیزیولوژیک متمرکز است.

قابل توجه این که هر یک از نیازهای انسان، در هر ساحت از زندگی مصادیق خاص خود را دارند. برای نمونه، همانطور که جسم انسان برای دوام خویش نیازمند تغذیه است، ساحت‌های نفس و روح نیز برای دوام و تعالی و کمال خویش نیازمند تغذیه‌ی مناسب هستند. یا همان گونه که چشم و گوش انسان به تماس با زیبایی نیازمند هستند، نفس انسان و همچنین روح او محتاج تماس با زیبایی متناظر کیفی و معنوی هستند، تا بدین گونه حس زیباجویی انسان ارضا شود. یا همان طور که انسان از نظر ظاهری و جسمی واجد هویتی است، برای وی مراتبی از هویت روانی و روحانی نیز قابل تصور است که باید به آن برسد. همانطور که جسم انسان باید از شرور و تجاوزات در امان باشد باید زمینه‌ی امنیت کیفی و فرهنگی و معنوی و فکری و روحانی وی نیز فراهم گردد. همچنین است درباره‌ی سایر نیازهای انسانی.

د: طبقات فعالیت‌های جاری در شهر:

همه‌ی فعالیت‌هایی که در شکل‌گیری یک شهر و به ویژه در شکل‌گیری شکل و سیما و منظر و فضاها و مکان‌گیری اجزا و عناصر آن ایفای نقش می‌کنند تحت سه عنوان اصلی شهر «سازی»، شهر «داری» و شهر «نشینی» قابل طبقه‌بندی هستند.

۲. اجمالی در باب شهر آرمانی

درباره‌ی شهر آرمانی (و همچنین درباره‌ی آرمانشهر) مراجع مختلفی سخن گفته‌اند که بدون ورود به آن مباحث، در این مجال فقط به نکته‌ی مهم و بنیادینی که تمایز اصلی تفکر معادگرایانه با اندیشه‌ی دنیاگرایانه است اشاره می‌شود. اندیشه‌ی دنیاگرا (که البته ممکن است به معاد و آخرت





هـ. گروهی که بهشت اخروی را «مکان و جایگاه آرمانی انسان»، و نه به معنای آرمان شهر قابل تحقق در این دنیا، که به عنوان آرمان حیات بشری می‌شناسند؛ و همه‌ی هم‌تشان اهتمام برای صلاحیت یافتن برای ورود به بهشت می‌باشد؛ که حلقه‌ی اوّل پیروان ادیان الهی و عالمان برجسته و مؤمنان در این گروه قرار می‌گیرند.

و. دسته‌ای دیگر که در توضیح آرمانشهر مورد نظر خویش، به موضوعات کالبدی و نقشه‌ی شهر و فعالیت‌های جاری در آن نیز پرداخته‌اند؛ و عمدتاً در قرون اخیر و پس از ظهور مشکلات شهرهای دوران صنعت آراء خود را مطرح نموده‌اند. این گروه گاهی ایده‌آلیست و زمانی خیال‌گرا نامیده می‌شوند؛ که در مراجع مرتبط با تاریخ شهرسازی دوران اخیر معرفی شده و آرایشان شرح شده است (شوای ۱۳۷۵).

ز. گروه بعدی عموماً بدون اشاره به شهر آرمانی، به ویژگی‌هایی برای انسان، رفتارهای انسان، ساخته‌های انسان، ارتباطات انسان با جامعه و با طبیعت و با ساخته‌هایش، مدیریت جامعه و به شیوه‌ی زیست انسان اشاره می‌کنند که تجمیع و رعایت آنها می‌تواند حاصل را به صورت شهری آرمانی محقق سازد.

به این ترتیب، شهرهای آرمانی یا به عبارت بهتر، محیط زندگی آرمانی انسان را به سه صورت «تحقق‌پذیر در عالمی دیگر»، «تحقق‌پذیر در این دنیا» و «آرمانی عالی» (که باید به سمت آن حرکت کرد) می‌توان مطرح کرد.

- طبیعی است که امکان تحقق شهرهای آرمانی گروه اوّل در این دنیا وجود ندارد و حتی توصیه نیز نمی‌شود. - اما گروه دوّم از شهرهای آرمانی، در این دنیا نیز امکان تحققشان (بسته به آرمانگرایی مبانی‌شان) به ندرت وجود دارد.

- اما گروه سوّم آرمانی متعالی هستند که ضمن آرمانی بودن، بی‌زمان و بی‌مکان بوده و برای آنها به تناسب شرایط زمان و مکان و شرایط دوران و امکانات در دسترس جلوه‌های متنوعی متصور است.

۳. موضوعات اصلی و روش بهره‌گیری از متون

یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که در مطالعات مربوط به شهر اسلامی، و به ویژه در تبیین نظر اسلام نسبت

کسانی چون سهروردی و نظامی اشاره کرد که به اشاره به ویژگی‌های مکانی آرمانی برای زندگی انسان اشاره دارند. ب. ادیان نیز درباره‌ی جامعه‌ای صالح و آرمانی خویش مطالبی را بیان نموده، و وعده‌ی چنین جامعه‌ای را از سوی رهبران معنوی و روحانی خود مطرح کرده‌اند؛ که در واقع، به این وسیله شهر آرمانی خویش را (بدون آن که از قید «آرمانی» استفاده کنند) معرفی کرده‌اند. جامعه‌ی بعد از ظهور حضرت مهدی^ع در میان مسلمانان و جامعه‌ی آخرالزمانی پس از بازگشت عیسی^ع در میان مسیحیان از آن جمله‌اند.

ج. مکاتب انسان‌ساخته اعم از دینی و غیردینی و ضددینی نیز غالباً در جهت وصول و متجلی ساختن محیط و شهری ایده‌آل و آرمانی برای پیروان و باورمندان آراء خویش اهتمام نموده، و برای ظهور آن شهر مردمان را به یاری می‌طلبند یا به آنها وعده‌ی وصول به آن را از طریق شیوه‌ی خاص زندگی می‌دهند. گاهی نیز اصولاً ظهور جامعه (یا شهر) آرمانی خویش را جبر تاریخ دانسته‌اند؛ که آموزه‌های مارکس و سایر پیشگامان و نظریه‌پردازان سوسیالیست و کمونیست از آن جمله‌اند.

د. گروهی دیگر هستند که شرایط خاص زندگی اخروی (معمولاً بهشت) را به عنوان آرمان شهر مطرح می‌کنند و بر این باورند که مردمان در این دنیا (باید و یا این که عموماً) به دنبال ساختن آن آرمانشهر هستند. این گروه خود به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شوند:

اوّل: گروهی که اصولاً به معاد (یا به عبارتی باورهایی شبیه باور مسلمانان) باور ندارند، اما به معتقدان به معاد توصیه می‌کنند که به دنبال ایجاد بهشت آرمانی در این دنیا باشند، و همچنین آثار مؤمنان را با این رویکرد ارزیابی می‌کنند (ویلبر ۱۳۸۴ و وست ۱۳۳۶).

دوم: گروهی که به معاد باور دارند، اما در عین حال، تحت تأثیر گروه اوّل و یا متأثر از پیروان سایر مکاتب، بهشت را آرمان شهری می‌دانند که در این دنیا نیز می‌تواند محقق شود؛ یا حداقل باید به دنبال ایجاد آن بود (منتظرالقائم ۱۳۸۸؛ دیبا و انصاری ۱۳۷۶ و انصاری و حقیقت‌بین ۱۳۸۸).





و اقلیمی و اقتصادی و اجتماعی و فن‌آوری و امثالهم مورد استفاده هستند.

سوم: معماری و شهرسازی فقط چیدن مصالحی روی یکدیگر نبوده و نه تنها با عواملی همچون انسان و محیط طبیعی مرتبط می‌باشند، بلکه بایستی به عنوان زمینه و بستر حیات و تکامل و تعالی انسان ایفای نقش نمایند. بنابراین، جملگی اجزاء و عناصر فیزیکی و غیرفیزیکی مرتبط با عوامل انسانی، محیط طبیعی و محیط مصنوع و همچنین صفات و ویژگی‌های آنها به همراه شرایطی که عامل رشد و تعالی انسان خواهند شد؛ بایستی مورد جستجو و توجه قرار گیرند.

در جهت شناسایی مصادیق یا تجلی اصول و ارزش‌های اسلامی در محیط مصنوع بدو بایستی اصول و ارزش‌ها شناسایی شوند که برای تسهیل مطالعه می‌توان آنها را در گروه‌های مختلفی طبقه‌بندی نموده و سپس جزئیات آنها را مورد شناسایی قرار داد. به عبارت دیگر، اصول و ارزش‌ها، در گروه‌های مختلفی قابل طبقه‌بندی هستند. با عنایت به این که بحث در مورد اصول و ارزش‌هایی که بر شکل‌دهی مطلوب محیط زندگی (معماری و شهر اسلامی) تأثیر دارند، تحقیقات متعدّد مستقل و مستوفایی را طلب می‌کند، در اینجا صرفاً روش بهره‌گیری از قرآن کریم و آیات مشتمل بر موضوعات مورد نظر، معرفی شده و تداوم آن تا رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب به محل مناسب احاله می‌گردد.

به منظور فراهم آوردن امکان استفاده از کلام الهی، یا به عبارت بهتر، به منظور شناسایی موضوعاتی که باید در قرآن کریم مورد پی‌جویی قرار گیرند؛ موضوعات و عناوین، تحت هشت گروه اصلی طبقه‌بندی شده‌اند. این گروه‌ها، در واقع، به مباحثی اشاره می‌نمایند که اولاً به نحوی به معماری و شهرسازی و سایر رشته‌های مرتبط با محیط و جامعه و عناصر اصلی آنها (از جمله انسان، عناصر طبیعی، ساخته‌های انسان، زندگی، اهداف حیات و امثالهم) مربوط بوده، و ثانیاً می‌توان از آیات قرآنی شواهدی را برای آنها ذکر نمود. این هشت گروه (که در نمودار شماره ۳ برخی مصادیق آنها نیز معرفی شده‌اند) عبارتند از:

۱) اصول و ارزش‌های اسلامی

به شهر و اجزاء آن، ذهن و مطالعات محققین را به خود مشغول می‌کند؛ چگونگی دریافت نظر اسلام از متون اصیل و نصوص درباره‌ی شهر (و شهرسازی و معماری) است. در این زمینه روش‌های مختلفی اتخاذ می‌شود که نتایج متفاوتی را در پی خواهد داشت. با عنایت به توضیح روش‌های استفاده از متون در مواضعی دیگر (ر.ک: نقی‌زاده ۱۳۸۵ و نقی‌زاده و امین‌زاده ۱۳۸۴) و تدوین نمونه‌ی بارز آن در معرفی شهر آرمانی اسلام (نقی‌زاده ۱۳۹۰ و همو ۱۳۹۱)، در این مجال، فقط به روش استفاده از قرآن کریم که یکی از ملاک‌های اصلی مباحث این وجیزه در تبیین نظر اسلام راجع به هر یک از اجزاء شهر بوده است اشاره می‌شود. نکته‌ی قابل تأمل آن است که این شیوه:

- اولاً در استفاده از سایر متون اصیل قابل تعمیم می‌باشد؛

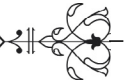
- ثانیاً، از طریق آن معیارهایی به دست خواهد آمد که این معیارها وسیله‌ی مناسبی برای ارزیابی سایر روش‌ها نیز خواهند بود.

بسیار شنیده می‌شود که به هنگام مباحثه در مورد معماری و شهرسازی و رابطه‌ی تعالیم اسلامی و به ویژه رابطه‌ی قرآن کریم با آنها، از فقدان اشاره‌ی مستقیم به مقولات معماری و شهرسازی در کلام الهی سخن به میان می‌آید؛ و برخی افراد به استناد همین فقدان، این ادعا را مطرح می‌کنند که اسلام در باره‌ی شهر و محیط زندگی نظری اعلام ننموده و همه‌ی امور را به دست تجربه سپرده است. توجه کنیم که اگر مقصود بیان جزئیات و مصادیق باشد، این نظر درست است که انجام امور به عقل سپرده شده است. اما باید توجه داشت که:

اول: معماری و شهرسازی نیز همچون سایر مقولات مرتبط با زندگی انسان مبتنی بر مبانی نظری‌ای هستند، که این مبانی در هر جامعه‌ای، از جهان‌بینی و فرهنگ حاکم بر آن جامعه نشأت می‌گیرند.

دوم: به دلیل بی‌زمانی و بی‌مکانی اصول مذکور در قرآن کریم (که باید در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها قابل استفاده باشند) قرآن کریم فقط اصول و ارزش‌هایی را بیان می‌دارد که برای همیشه و در همه جا با توجه به شرایط محیطی





از این که:
 □ این تقسیم‌بندی، یک نوع تقسیم‌بندی قراردادی بوده و احتمال ارائه‌ی تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز وجود دارد؛ اما چون مقصود اصلی نشان دادن چگونگی بهره‌گیری از قرآن کریم بوده است، با استفاده از تجارب طولانی در دسته‌بندی موضوعات مرتبط با آثار انسانی که همه‌ی موضوعات مرتبط را ملحوظ داشته باشند این تقسیم‌بندی برگزیده شده است.

- ۲) اصول و ارزش‌های جهانی
 - ۳) اصول (صفات) حاکم بر فعل و مخلوقات الهی
 - ۴) اوامر و نواهی اسلام برای زندگی فردی و اجتماعی
 - ۵) طبیعت و عناصر طبیعی
 - ۶) اصول تنظیم‌کننده‌ی روابط اجتماعی
 - ۷) صفات محیط مصنوع
 - ۸) عناصر شهری و معماری
- نکات مهم و قابل ذکر در مورد این تقسیم‌بندی عبارتند



نمودار ۳: موضوعات قابل پی‌جویی در متون اصیل اسلامی (قرآن کریم)

□ محیط مصنوع» (که به هر حال توجه به آنها مقصود اصلی این نوشتار نیز می‌باشد) قرار گیرند. اما باز هم به منظور تفکیک و طبقه‌بندی نسبی موضوعات از این کار اجتناب شده است و به این بسنده می‌گردد که در

□ امکان بروز تداخل‌هایی در زیرمجموعه‌های عناوین فوق‌الاشاره وجود دارد. برای نمونه، برخی از صفات فعل الهی می‌توانند جزئی از اصول اسلامی باشند؛ و یا این که جملگی موارد می‌توانند تحت عنوان «صفات



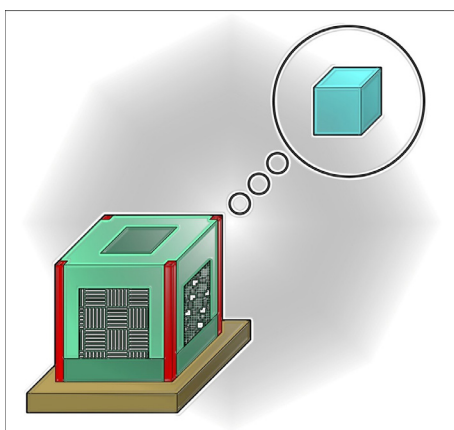


در دسترس خواهد بود.

۴. بازه‌های اصلی شهر آرمانی اسلام در کلام

الهی

برای طرح و ایجاد و اداره و تداوم هر چیزی، «مبانی»، «ارکان» (اجزاء اصلی، که بدون هر «رکن»، امکان ظهور آن چیز منتفی است)، «اسوه» (الگو)، «صفات»، «اصولی» (جلوه‌ها و تجلیاتی) قابل‌تصور است (نمودار ۴)؛ که قاعدتاً شهر نیز مبانی و ارکان و الگو و صفات خاص خود را دارد که در هر جهانبینی و فرهنگ و تمدنی، سرچشمه‌ها و تعاریف مرتبط با خویش را خواهد داشت؛ و به این ترتیب، شناسایی این موضوعات مرتبط با هر چیز ضرورت اولیه است که «شهر آرمانی اسلام» نیز به عنوان موضوعی که بسیاری افراد از آن سخن گفته‌اند؛ از این قاعده مستثنی نیست.



نمودار ۴: ویژگی‌های متصور برای هر پدیده (الگو، مبانی، ارکان، صفات و تجلیات)

الف. مبانی شهر آرمانی اسلام:

«مبانی» به آن دسته موضوعات یا اصول بنیادینی اطلاق می‌شود که در همه‌ی موضوعات مربوط به یک جهانبینی صادق و جاری و ساری و مشهود باشند. برای هر اثر انسان‌ساختی می‌توان مبانی‌ای قایل شد، که این مبانی، همان مبانی جهانبینی او هستند. به این ترتیب، برای شهر منتسب به اسلام، مبانی‌ای قابل طرح هستند

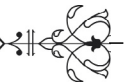
هر قسمت بر آن دسته امور و موضوعاتی تأکید شود که بیشتر به آن قسمت تعلق دارند. قابل توجه این که تداخل‌های احتمالی که البته امری طبیعی و حتی لازم هستند؛ نشانه و دلیلی بر وحدت و یکپارچگی و انسجام و همبستگی موضوعاتی است که در همه‌ی فعالیت‌های انسانی باید مد نظر قرار گیرند.

موضوعات انتخابی به معنای جامع بودن و در بر داشتن تمامی موضوعات نبوده و تنها از باب نمونه و اثبات امکان بهره‌گیری از قرآن کریم ذکر شده‌اند. این تقسیم‌بندی، شامل موضوعات اصلی و بنیادینی است، که توجه به آنها در تبیین مبانی نظری انواع طراحی و برنامه‌ریزی‌های محیطی و آنچه که به نحوی به رابطه‌ی انسان و محیط (طبیعی و مصنوع) می‌پردازد؛ ضرورت دارد.

نکته‌ی قابل ذکر دیگر این که این تقسیم‌بندی و همین‌طور موضوعات منتخب، داعیه‌ی در بر داشتن جملگی موضوعات مرتبط با محیط زندگی و شهر را که می‌توان از قرآن کریم استنتاج نمود، ندارند، و تنها در پی بیان چگونگی استفاده از کتاب الهی برای دریافت موضوعات مرتبط با برنامه‌ریزی و طراحی محیط مناسب و مطلوب حیات طیب انسان هستند.

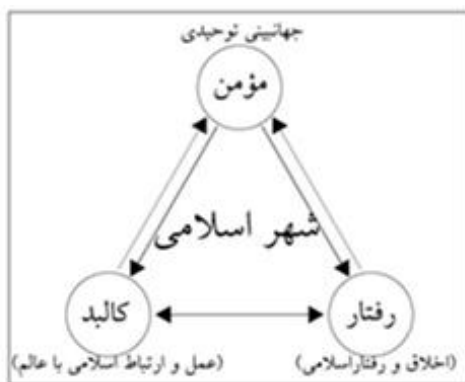
پس از شناسایی عناوین اصلی گروه‌ها، اصول و ارزش‌های مرتبط با هر گروه، و یا به عبارتی اعضا و زیرمجموعه‌های هر کدام بایستی شناسایی شوند؛ که در این راه احتمال این که اصل یا ارزشی در دو یا چند گروه قرار گیرد فراوان است. از جمله اصولی همچون وحدت و تعادل و زیبایی و امثالهم که می‌توانند در گروه‌های مختلفی تکرار شوند. با شناسایی اصول و ارزش‌ها، تدوین تعاریف آنها طبق متون، و نظر دانشمندان و محققین و پژوهشگران و فلاسفه و مفسرین و فقها و عرفا و هنرمندان و صاحب‌نظران هر رشته مرحله‌ی بعدی خواهد بود. و در نهایت، نحوه‌ی تجلی کالبدی بخشیدن به اصول و ارزش‌ها در محیط و فضای شهری و معماری موضوعی خواهد بود که به عنوان تفسیر تعالیم اسلامی در محیط و فضا و کالبد وظیفه‌ی شهرسازان و هنرمندان و معماران با توجه به زمان و مکان و امکانات





مشابه می‌توانند فاقد برخی اجزاء بوده و یا اجزایی اضافه بر اجزاء دیگران را داشته باشند، اما ارکان همه‌ی پدیده‌های مشابه یکسان‌اند؛ و هر پدیده‌ای که حتی فاقد یک رکن باشد از جمع همگنان خود خارج می‌شود. شهر نیز دارای ارکانی است که هر رکن با ویژگی‌های خاص اسلامی‌اش، رکن شهر اسلامی خواهد بود. همان طور که در مقدمات مقاله ذکر شد؛ برای هر شهر سه رکن اصلی متصور است که در اینجا به معرفی این سه رکن برای شهر آرمانی اسلام اشاره می‌شود.

برای ظهور شهر آرمانی اسلام نیز همانند ظهور هر شهری، انطباق و همپوشانی سه رکن، به عنوان «ارکان» آن ضرورت دارد. این سه رکن عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی یا فضای کالبدی. در حقیقت، شهر آرمانی اسلام فقط کالبد نیست، و علاوه بر «کالبد» شهر، دو مقوله‌ی مهم دیگر نیز در تعریف این شهر آرمانی و تجلی آن ایفای نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر، انسان (یا مؤمن) است که البته مهمترین مقوله‌ی مربوط به او نیز «وجه فکری» یا به عبارتی ایمان اوست. به این ترتیب است که می‌توان «ایمان» اهل یک شهر را مهمترین عامل و عنصر شکل‌دهنده و تعریف‌کننده‌ی شهر آرمانی اسلام نامید. عنصر بعدی «قوانین» حاکم بر شهر و بر همه‌ی روابطی است که بین انسان‌ها (اعم از مدیر شهر و اهل شهر) و طبیعت و آثار انسانی حاکم‌اند. در نتیجه، ارکان شهر آرمانی اسلام به صورت نمودار ۵ قابل‌ارائه است.



نمودار ۵: رابطه‌ی سه عنصر اصلی دخیل در ظهور شهر آرمانی اسلام

که این مبانی همان مبانی اسلام (یا به عبارت دیگر مبانی جهانبینی توحیدی) هستند. این موضوع اصلی اساسی است که مبانی هر تفکر و جهانبینی، اصولی هستند که نه تنها در حوزه‌ی اندیشه، که در همه‌ی امور مربوط به آنها حضور دارند و راهنما و آرمان و هدف هستند. این اصول، نه تنها راهنمای اندیشه و عمل هستند، که فراتر از آن، و نهایتاً نیز باید، در همه‌ی آثاری که از آنها سرچشمه گرفته و سیراب شده‌اند، نمود و جلوه داشته باشند، و انسان را به همان اصول برسانند. با عنایت که به این که، جهانبینی توحیدی (دین اسلام) فضای مطالعه‌ی حاضر است، مبانی مورد نظر، اصولی هستند که هر موضوعی در اسلام، باید از آنها متأثر بوده و نهایتاً نیز با بهره‌گیری از آنها، پیروان اسلام را به همان اصول برساند. به این ترتیب، و با توجه به مباحث مطرح در تعالیم اسلامی، اصلی‌ترین بنیاد (یا مبانی) اسلام «توحید» است.

در جامعه‌ی اسلامی، اصل «توحید»، نه تنها همه‌ی آراء و رفتارها و آثار مسلمانان را جهت می‌دهد، که همه‌ی آراء و رفتارها و آثار نیز باید به توحید منتهی شوند (ر.ک: طباطبایی بی‌تا، ج ۷، ۱۸۴-۱۸۳). همان طور که جهان‌بینی به عنوان فضای اندیشه و تفکر، اصل و ریشه‌ی فرهنگ (یا فضای عمل و رفتار) است که آن نیز به نوبه‌ی خود عامل پدیدار شدن آثار و ظهور تمدن است؛ در شناخت مبانی «شهر» اسلامی شناخت اصول حاکم بر جهان‌بینی‌ای که اسلام مبلغ و مروج آن است (جهان‌بینی توحیدی) ضرورت دارد.

پس از توحید می‌توان به اصل «عدل» اشاره کرد که به عنوان اصلی‌ترین صفت فعل الهی، هم مسلمانان به رعایت آن امر شده‌اند؛ و هم این که مطابق سخن رسول خداص، عالم هستی بر آن قرار دارد: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ. با این تذکر که سایر اصول (معاد و نبوت و امامت) نیز در قالب این دو اصل باید مورد توجه و ملاک عمل مسلمانان قرار گیرند.

ب. ارکان شهر اسلامی:

چنانچه توضیح شد هر پدیده‌ای واجد اجزایی است که از میان این اجزاء برخی را رکن (ارکان) می‌نامند. پدیده‌های

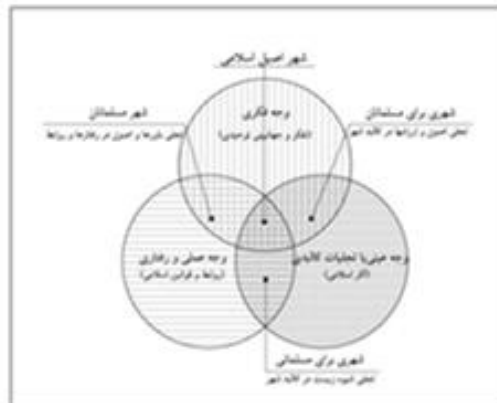




دستورات و اخلاق اسلامی عمل و رفتار می‌کنند و توانسته‌اند کالبد مناسبی را نیز به وجود آورند که تجلیگاه ارزش‌های اسلامی باشد، و آنان را در مسلمان زیستن یاری نماید.

آنچه که امروزه عموماً در قلمرو شهرسازی (و هم‌همی گرایش‌های مطرح آن در مجامع آموزشی و حرفه‌ای از قبیل طراحی و برنامه‌ریزی و منظرسازی) می‌گذرد؛ مربوط و مرتبط با کالبد شهر و ساخت و ساز و حداکثر انتخاب کاربری‌ها و برنامه‌ریزی جمعیتی است. غالباً توسعه‌های فیزیکی و ویژگی‌های کالبدی آنها اهداف اصلی طرح‌ها و برنامه‌های شهری هستند. البته تغییرات فرهنگی و رفتاری و توسعه‌های انسانی نیز از اهداف (نوشته یا نانوشته‌ی) طرح‌ها و برنامه‌های شهرسازی هستند، که به هر حال اتفاق می‌افتند؛ و به همین دلیل است که لزوم توجه به آنها در مبانی نظری طرح‌ها و برنامه‌های شهرسازی توصیه می‌شود. علی‌رغم همه‌ی تأثیرات متقابل محیط و انسان و به ویژه تأثیر محیط بر انسان، آن گونه و مرتبه از انسان‌سازی و تدوین قوانین و اخلاقیات و رفتارها و ارتباطات و نوع نگرشی را که مد نظر تعالیم عالی‌ی اسلام است، فقط از راه ایجاد کالبد شهر امکان ظهور ندارد. ضمن آن که در صورت عدم حضور انسان‌های مزی و مهذب و هدایت‌شده و متذکر و عابد و مخلص و مقید به رعایت همه‌ی اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی، امکان ساخت کالبد شهر بر اساس تعالیم اسلامی نیز ممکن نخواهد بود. به عنوان موضوعی جنبی (و داخل پراگماتیک) می‌توان به موضوع آموزش اشاره کرد که در قالب «تعلیم» (برای آموزش علم و هنر)، «تأدیب» و «تربیت» (برای فرهنگ‌سازی و اعتدالی اخلاق) و «تزکیه» و «تهذیب» (برای تربیت نفس و روح) باید برای آموزش همه‌ی انسان‌ها اعم از طراح و برنامه‌ریز و مدیر و اهل شهر برنامه داشته باشد. نتیجه این که: اصلی‌ترین عوامل یا «ارکان» شکل‌دهنده‌ی شهر آرمانی اسلام در سه گروه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند که ملحوظ داشتن توأمان و متعادل و منطقی آنها منجر به ظهور شهر آرمانی اسلام خواهد شد.

□ اولین رکن: ایمان اهل شهر یا اصول ایمانی آنهاست



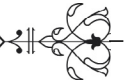
نمودار ۶: رابطه‌ی ارکان سه‌گانه‌ی وجه فکری، وجه عملی و رفتاری و وجه عینی در شکل‌گیری شهر آرمانی اسلام، شهری برای مسلمانی، شهر مسلمانان و شهری برای مسلمانان

اگر این سه وجه یا سه قلمرو را به صورت دوایر متقاطعی نشان دهیم، بهترین حالت وقتی است که سه دایره بر هم منطبق باشند؛ و بدترین حالت وقتی است که این دوایر هیچ نقطه‌ی مشترکی با یکدیگر نداشته باشند. اما در حالت معمول می‌توان آنها را به صورتی ترسیم کرد که دو به دو و هر سه با یکدیگر سطح مشترکی داشته باشند (نمودار ۶).

در این حالت، در سطوح مشترک، چهار نوع شهر برای جامعه‌ی اسلامی قابل شناسایی است.

- یکی شهری که انسان‌هایی معتقد به اصول اساسی اسلام، در آن زندگی و بر اساس دستورات اسلام عمل می‌کنند؛ که آن را «شهر مسلمانان» می‌نامیم.
- دیگری شهری است که در آن مسلمانان در کالبدی اسلامی زیست می‌کنند که با عنایت به دستورات اسلامی بنا شده‌اند؛ و می‌توان آن را «شهری برای مسلمانان» نامید.
- سومین محدوده که آن را «شهر مسلمانی» می‌نامیم؛ نشانگر شهری است که در آن رفتار اسلامی جریان دارد و کالبد شهر نیز بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی ساخته شده است.
- و بالاخره (فضای مشترک) سه دایره است که از آن به عنوان مصداق «شهر آرمان اسلام» یا شهر اصیل اسلامی یاد می‌کنیم و در آن مسلمانان موحد بر اساس





یکی از اصلی‌ترین نقش‌ها را ایفا می‌کند. در جهت فراهم آوردن محیط (یا شهر) مناسب زندگی، با عنایت به این که انسان (به عکس خداوند که بنا به سخن امام الموحّدین^ع، همه چیز را بدون الگوی اولیّه خلق کرد) همه چیز را بر پایه و مطابق الگویی (ذهنی یا عینی) می‌سازد، می‌توان گفت که برای شهر مطلوب و آرمانی او می‌توان الگویی را تصوّر کرد؛ و در هر جهانبینی و مکتب فکری، الگو و اسوه ویژگی‌های خاص خود را دارد. قاعدتاً از تعالیم اسلامی نیز می‌توان الگویی برای شهر اسلامی، یا ویژگی‌های اصلی آرمان شهر اسلام را استنتاج و تدوین کرد. الگوی شهر اسلامی که اینجا در پی معرفی آن از متن قرآن کریم هستیم، علاوه بر همه‌ی ویژگی‌هایی است که می‌توان از متون اسلامی به عنوان فضای حیات طیبه استنتاج کرد.

اهمیت اسوه (الگو):

یکی از ویژگی‌های بارز انسان‌ها انتخاب و تبعیت و سعی در تشبّه به افراد و گروه‌ها و جوامعی است که می‌توان از آنها به الگو یاد نمود؛ که به تبع آن، آثار آنان نیز به عنوان الگو مطرح می‌شوند. تعالیم اسلامی نیز به صراحت پیامبر اکرم^ص و همچنین حضرت ابراهیم^ع را به عنوان اسوه و الگوی انسان‌های صالح معرفی نموده است (ممتحنه: ۴ و احزاب: ۲۱). علاوه بر آن، به کرات مسلمانان را از شبیه بودن به افراد و جوامعی خاص نهی می‌فرماید (بقره: ۴۱، آل عمران: ۱۰۵ و ۱۵۶، انفال: ۲۱ و ۴۷، نحل: ۹۲). برعکس جوامع الهی و شیوه‌ی صالحین، دنیای معاصر سعی در معرفی و رواج الگوهای دارد که از طریق آنها بتواند (اگر نگوئیم به استعمار و استثمار انسان‌ها و جوامع دست یازد، حدّ اقل این است که) مصرف بیشتر را رواج و توسعه دهد. مروری اجمالی بر آیات قرآن کریم و احادیث مأثورّه از معصومین بیانگر توجّه به انتخاب الگوهای اصیل و احتراز از الگوهای بیگانه و مخالف با کرامت‌های انسانی است، که یکی از معروفترین موارد آن، عدم پذیرش ولایت کفار و مشرکین است (ممتحنه: ۱). همچنین در حدیث قدسی آمده است: *أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَ لَا يُطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَغْدَائِي وَ لَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَغْدَائِي فَيَكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي*: خداوند بر پیامبری

که از آن به فضای فکری تعبیر می‌کنیم. فضای فکری حاصل حضور یا عامل ظهور مؤمن است که در دو طبقه‌ی اصلی مدیر شهر و اهل شهر ایفای نقش می‌کند و مجموعاً فضای فکری اسلامی را می‌سازد. رکن دوم: اصول عملی اسلام است که از آن به فضای رفتاری تعبیر می‌کنیم. مقررات و قوانین و اصول اخلاقی، جزئیات این اصول هستند که روابط مدیر شهر، اهل شهر و عالم ماده را تعریف و تبیین می‌کنند. فضای حاصل از تأثیر این رکن را «فضای عمل و رفتار اسلامی» می‌نامیم.

سومین رکن: کالبد شهر است که از آن به فضای عینی تعبیر می‌کنیم. این کالبد توسط انسان (فضای فکری) و با رفتار اسلامی (عمل و اخلاق اسلامی)، که تبیین‌کننده‌ی ارتباط انسان با جهان خارج (اعم از جامعه و محیط مصنوع و طبیعت) است، منجر به ایجاد فضا و محیطی می‌شود که در عین حالی که از اصول اسلامی نشأت گرفته‌اند؛ به این اصول اشاره دارند و انسان را در مسلمان زیستن کمک می‌کنند.

ج. الگوی شهر آرمانی اسلام:

همه‌ی آثار و پدیده‌هایی که توسط انسان یا سایر موجودات خلق می‌شوند، بی‌گمان از روی طرح یا الگویی (ذهنی یا عینی، کالبدی یا صفاتی) ساخته شده‌اند. شهر نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ و عموماً (در مراحل اجرایی) از روی نقشه یا طرح و (در مراحل عالی و برای تهیّه‌ی طرح آن) الگویی عالی و ذهنی و آرمانی مطرح است که در هر جامعه و تمدن و جهانبینی‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد. بی‌تردید، همه‌ی فعالیت‌های انسان و از جمله ساختن شهر، برای فراهم آوردن زمینه و بستر مناسب و مطلوب زندگی انسان و همچنین کمک به او در رسیدن به زندگی سعادت‌مند و حرکت او به سمت فلاح و رستگاری می‌باشد. یکی از اصلی‌ترین اهداف زندگی دنیایی، آماده کردن یا آماده شدن انسان برای ورود به زندگی جاوید اخروی است؛ و ورود به ساحت مطلوب و سعادت‌مندانه‌ی زندگی اخروی جز با کسب صلاحیت و اهلیت لازم میسر نخواهد بود. در این میان، شهر به عنوان ظرف فعالیت‌ها و زندگی انسان





شوند یا آن را به ذهن انسان متبادر کنند نیز به عنوان ویژگی‌های الگو مطرح شوند. به هر حال، در اینجا منظور از الگو، یک موضوع مادی و کالبدی (از قبیل مکت یا مدلی با مقیاس متفاوت) نیست؛ بلکه الگوی مورد نظر موضوعی ذهنی است که اصلی‌ترین ویژگی‌های آن بی‌زمانی و بی‌مکانی، و در عین حال، امکان ظهور متنوع در زمان‌ها و سرزمین‌ها و شرایط متفاوت است.

الگوی اصیل قرآنی شهر آرمانی اسلام:

با عنایت به تعبیر انحصاری قرآن کریم برای مکه‌ی مکرمه که آن را «أُمُّ الْقُرَى» می‌نامد (که قاعدتاً باید به عنوان الگوی سایر شهر ایفای نقش کند) و این که حضرت ابراهیم^ع پس از تجدید بنای کعبه‌ی شریف، برای شهر و اهل آن سه دعا می‌کند و سه چیز را از خداوند متعال برای اهل آن می‌خواهد؛ می‌توان برای نیازهای انسان که جامع و دربردارنده‌ی همه‌ی نیازهای مادی و روانی و معنوی او خواهند بود تقسیم‌بندی خاصی ارائه کرد. دعای حضرت ابراهیم^ع چنین است:

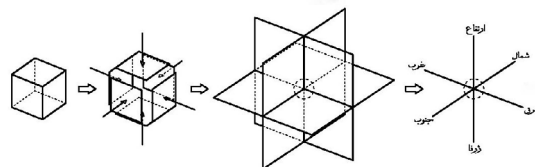
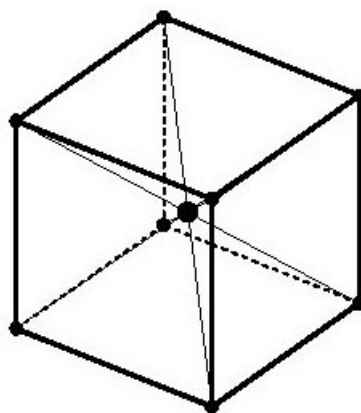
□ وَ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا اٰمَنًا وَّ الرِّزْقَ اٰهْلِهٖ مِّنَ الثَّمٰرَاتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَّ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ: و چون ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و روزی اهلش را که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند فراوان گردان (بقره: ۱۲۶)؛ و در جایی دیگر، دعا می‌کند:

□ وَ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمَنًا وَّ اجْنُبْنِي وَّ بَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ: یاد آر وقتی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور دار (ابراهیم: ۳۵).

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که حضرت ابراهیم^ع سه دعای اصلی برای مکه دارد، که هر یک از آنها بر یک ساحت حیات (جسم یا فیزیولوژی، روان یا نفس، و روح یا آخرت) متمرکز است. به بیان دیگر، با تأمین هر یک از این نیازها (به عنوان سرسلسله‌ی نیازهای ساحت مورد نظر از حیات) زمینه‌ی تأمین سایر نیازها نیز فراهم خواهد شد. وقتی «رزق» (به معنای عام آن) تأمین شود می‌توان

از پیامبران وحی کرد: به مؤمنان بگو: لباس دشمنان مرا بر تن نکنند و غذای دشمنان مرا نخورند و راه دشمنان من را نروند؛ که اگر چنین کنند؛ دشمنان من خواهند بود همان گونه که آنها هستند (عاملی ۱۳۸۵، ۶۶۱-۶۶۰). در حدیث قدسی دیگری (بر این موارد) اضافه می‌کند: وَ لَا تَشَاكَلُوا بِمَا شَاكَلْ اَعْدَائِي: خود را به شکل دشمنان من درنیارید (عاملی ۱۳۸۵، ۶۷۰-۶۶۹).

نکته‌ی قابل تأملی که درباره‌ی الگوی شهر و آثار انسانی می‌توان مطرح کرد این است که برعکس الگوهای انسانی معرفی شده در قرآن کریم که نمونه‌های عینی و واقعی (پیامبر اکرم^ص و حضرت ابراهیم^ع) هستند، الگوی شهر آرمانی که باید ویژگی‌های بی‌زمانی و بی‌مکانی را در خویش داشته باشد؛ الگویی مثالی و ذهنی و بر اساس ویژگی‌هایی خاص است. برای نمونه، برای همه‌ی شش‌وجهی‌ها (اعم از مکعب و مکعب مستطیل) می‌توان الگویی را در نظر گرفت که اصلی‌ترین ویژگی آن نسبت رئوس هشت‌گانه‌ی آن با محورهای سه‌گانه‌ی مختصات است (نمودار ۷).



نمودار ۷: رابطه‌ی شش‌وجهی‌ها با محورهای مختصات

در عین حال، برخی از معانی الگوها (مثل معانی مربع، دایره، نور، آب و مانند اینها) که می‌توانند در پدیده‌ای ظاهر





این الگوی اصیل، و در واقع، تبیین‌کننده‌ی ویژگی‌های آن برای زندگی مسلمانان بوده است.

بنابراین، شهر آرمانی اسلام، به مثابه الگوی اصیل خویش، شهری است که همه‌ی نیازها (توجه فرماید: همه‌ی نیازهای) معنوی و روانی و فیزیولوژیکی ساکنان و اهل خویش را تأمین نموده و هیچ نیازی را مغفول نگذارد.

د. صفات شهر اسلامی:

هر پدیده‌ای، با صفاتی شناخته می‌شود؛ که شهر و به تبع آن شهر اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای شهر اسلامی صفاتی را می‌توان برشمرد که مجموعه‌ی آنها باید از کلام الهی استنتاج شوند. همان‌گونه که گذشت؛ اسلام به عنوان دین و سنت الهی زیست انسان‌ها و به مثابه فلسفه‌ی زندگی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها، اصول و ارزش‌هایی (و نه الزاماً جزئیاتی) را برای زندگی انسان معرفی و توصیه نموده است. قلمرو و حوزه‌ی اثر این اصول و ارزش‌ها منحصر و محدود به قلمرو خاصی از زندگی انسان نمی‌شود؛ بلکه می‌توانند در همه‌ی ابعاد و قلمروهای زندگی، معنا و مصداق و اثر خاص خویش را داشته باشند.

به این ترتیب، اگر برای «شهر» و «ساختمان»، و رای سرپناه بودن، اهداف و غایاتی متصور باشد که این اهداف و غایات به رشد و تعالی معنوی انسان (اهداف حیات انسان از نظر اسلام) کمک می‌نمایند؛ ناچار بایستی اصولی بر آنها (شهر و ساختمان) حاکم باشد که این اصول نیز چیزی جز اصول حاکم بر جهان هستی و اصولی که خداوند سبحان برای زندگی انسان تعیین فرموده است؛ نخواهند بود؛ که هر دو گروه این اصول توسط خالق حکیم و علیم ایجاد و معرفی شده‌اند.

توجه کنیم که گذشته از اعمالی که محصولی مادی و کالبدی فیزیکی دارند؛ سایر اعمال نیز به گونه‌ای دیگر به «ایجاد» منجر می‌شوند، برای مثال «راستی» خالق «ثواب» است و «عذاب» نتیجه‌ی «عمل زشت» است و اگر «بهشت» و «دوزخ»، «حاصل»، «نتیجه» و «بازتاب» عمل انسان تلقی شوند به راحتی معلوم می‌گردد که همه‌ی اعمال انسان حتی نگاه کردن، شنیدن و گفتن نیز مدام به

گفت که امکان مرتفع شدن و ارضای همه‌ی نیازهای فیزیولوژیک و جسمی انسان فراهم شده است؛ و زمینه‌ی پاسخ‌گویی به آنها تأمین شده است. زمانی که امنیت انسان تأمین باشد، می‌توان امیدوار بود که در سایه‌ی امنیت، انسان بتواند به همه‌ی نیازهای قلمرو روان خویش و آنچه که انسانیت او اقتضا می‌کند، دست یابد؛ چنانچه نبی مکرم اسلام می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَى فِي بَدَنِهِ أَمِنًا فِي سِرْبِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَانَ مَا خَيْرَ لَهٗ الدُّنْيَا؛ هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد سراسر جهان مال اوست (نهج‌الفصاحه، ۷۳۳)».

و بالاخره، با نپرستیدن بت و ایمان به خداوند واحد و روز قیامت، آنگاه می‌توان از تأمین همه‌ی نیازهای معنوی و روحانی او به نحو احسن نیز رأی داد. خلاصه این که هر یک از سه دعای حضرت ابراهیم^ع برای مکه‌ی مکرمه و اهل آن، سرسلسله‌ی نیازهای یک ساحت حیات هستند؛ که تأمین آنها زمینه‌ساز پاسخگویی به همه‌ی نیازهای انسان و سعادت و کمال انسان خواهد بود.

به این ترتیب، نه از نظر شکلی، بلکه از نظر امکاناتی که یک شهر باید در اختیار اهلس قرار دهد و از نظر شرایطی که باید برای آنها فراهم کند؛ مکه‌ی مکرمه، و به ویژه دعاهای حضرت ابراهیم^ع در مورد آن، بهترین الگوی شهر اسلامی و محیطی برای زیست انسان است. طبیعتاً چون این ویژگی‌ها در جهت پاسخگویی به همه‌ی نیازهای انسان هستند؛ بر کالبد شهر، بر قوانین و مقررات حاکم بر شهر، بر رفتار اهل شهر، بر ارتباطات مردمان با یکدیگر و در یک کلام بر ارکان شهر (که ذکر آن گذشت) تأثیر بنیادین خواهد داشت.

در کنار این الگو، الگوهای رفتاری و اجتماعی و قانونی و مدیریتی و فردی رهبران الهی به ویژه دوران مبارک شخص نبی مکرم اسلام^ص و امیرالمؤمنین^ع، نیز می‌توانند و باید به عنوان یکی از اصلی‌ترین الگوهای شهر اسلامی، به ویژه در توضیح و معرفی رکن ارتباط و قانون و رفتار و عمل، ایفای نقش کنند. حتی راهنمایی‌های سایر معصومین^ع (به پیروانشان در چگونگی رعایت حقوق یکدیگر و رفتار با طبیعت و با دیگران و با مجموعه‌ی آثار انسانی) مکمل





که با یک مقایسه‌ی ساده می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که اعمال انسانی بایستی به صفات فعل الهی متصف باشند و در جهت متجلی ساختن آن صفات شکل بگیرند تا اولاً، شرط امانتداری در خلافت رعایت گردد و ثانیاً، نه تنها با فعالیت‌های انسان خدشه‌ای به هماهنگی و تعادل موجود در عالم وجود و طبیعت وارد نیاید که فراتر از آن، امکان کمال یافتن موجودات (و عالی‌تر از آن، گرایش مواد به سمت تجرد) در اثر فعالیت‌های انسان نیز فراهم آید (ر.ک: نقی‌زاده ۱۳۸۵).

به عبارت دیگر، اینها صفاتی هستند که افعال انسان به عنوان خلیفه‌الله باید به آنها متصف باشند. مقرر داشتن مقام خلیفه‌اللهی برای انسان: «هُوَ الَّذِي جَعَلَكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ: اوست خدایی که شما را در زمین جانشین قرار داد (فاطر: ۳۹)» نکات مهمی را به انسان یادآور می‌شود که اهم آنها عبارتند از این که انسان باید شرط امانت را به جا آورد؛ باید اعمالش را به صفات فعل الهی متصف گرداند؛ باید دستورات الهی را سرلوحه‌ی اعمال خویش و وجهه‌ی همت خود قرار دهد؛ باید رابطه‌ی خویش و سایر مخلوقات الهی را طبق برنامه و حقوقی که برای جملگی تعیین شده است تنظیم نماید و باید همیشه به حضور در محضر الهی متذکر باشد و خویش را از غفلت مصون دارد (نقی‌زاده ۱۳۹۱). بنابراین، شرط خلافت و امانت‌داری حکم می‌کند که انسان اعمال خویش را به صفات الهی متصف گرداند تا ضمن به جا آوردن شرط امانت، تعادل لازم را نیز در محیط فراهم آورد.

یکی از افعال مهم انسان، تغییراتی است که توسط او در محیط به وجود می‌آید که قسمتی از آن به صورت شهرها، محیط و فضای زندگی در زمین ظهور می‌یابد. خلاصه این که چون تفکر اسلامی، انسان را به عنوان جانشین خداوند تبارک و تعالی بر روی زمین معرفی می‌کند؛ اصول حاکم بر اعمال و آثار انسانی بایستی رنگ و صبغه‌ی اصولی را داشته باشند که بر فعل الهی حاکم‌اند. برخی از بارزترین صفات فعل الهی که بایستی بر فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط به عنوان یکی از مهمترین فرآورده‌های فعل انسان (خلیفه‌الله) حاکم باشند؛ عبارتند از: وحدت، تعادل، نظم،

«ایجاد» می‌انجامند؛ و به عبارت دیگر، هر چیزی را صورتی مثالی است. با توجه به این که اصولاً همه فعالیت‌های انسانی در جهت نوعی خلق و خلاقیت انجام می‌شود، دو مورد اساسی بایستی مد نظر قرار گیرند:

□ اولاً این که با توجه به مقام خلیفه‌اللهی انسان، بهترین الگو برای شناسایی ویژگی‌های فعالیت‌های انسان و تعیین اصول حاکم بر اعمال و آثار تولید او همانا خلق الهی و اصول و قوانین حاکم بر اجزاء جهان هستی است.

□ ثانیاً به جهت این که نقش باورها و تفکر حاکم بر انسان و نحوه‌ی نگرش او به جهان هستی و همچنین توجه به اعمالش، تأثیر مستقیم بر انتخاب روش‌های طراحی، ساخت، تولید و نحوه‌ی بهره‌گیری از طبیعت دارد؛ در این باب نیز شناسایی دستورالعمل‌های برآمده از تعالیم اسلامی یا لاقلاً محک خورده شده با این تعالیم برای مسلمانان واجب‌الرعايه‌اند.

از مجموعه‌ی ویژگی‌هایی که اسلام برای حیات و فعالیت انسان در زمین تبیین می‌نماید؛ چنین استنباط می‌شود که افعال انسان به عنوان جانشین خدا در زمین بایستی به صفات فعل الهی متصف باشند. به این ترتیب، مجموعه‌ی ویژگی‌های تأثیرگذار بر فعالیت‌های انسان، متشکل از «قوانین حاکم بر عالم وجود» و «اصول توصیه‌شده برای حیات وی» می‌باشند. نکته‌ی قابل ذکر دیگر این که، برخی از این اصول در هر دو گروه مصداق دارند؛ به این ترتیب که هم صفات فعل الهی‌اند و هم این که مسلمانان به رعایت آنها توصیه و تشویق شده‌اند که البته تنها در یک موضع معرفی می‌شوند.

اول. صفات فعل الهی:

صفات فعل الهی (یا اصول حاکم بر فعل و خلق الهی) از اصلی‌ترین صفاتی هستند که می‌توانند به عنوان صفات شهر آرمانی اسلام مطرح شوند. توضیح این که از یک سو، بر افعال انسان، بنا به باورها و الگوی اصلی‌ای که برای خویش انتخاب می‌کند؛ اصول و صفاتی مترتب است و از سوی دیگر، بنا به آموزه‌های قرآنی، انسان خلیفه (یا جانشین) خداوند در زمین است (بقره: ۳۰ و نور: ۵۵)؛ و لذاست





هماهنگی، اندازه، حد، هدایت، حسن، حساب، حق بودن، کرم، احسان، عدم خلق به بطالت، عدم خلق به بازی و امثالهم.

دوم. صفات فعل انسان (اصول توصیه شده برای حیات وی):

علاوه بر ویژگی‌های مذکور برای صفات مخلوقات الهی (که در سطور بالا معرفی شدند)؛ آنچه که خداوند تبارک و تعالی به عنوان بنیادهای مشی زندگی انسان معرفی می‌نماید نیز در شکل‌گیری محیط زندگی که باید مقوم ارزش‌های الهی بوده و انسان را به سمت آن هدایت نمایند ایفای نقشی در خور توجه را عهده‌دار هستند که اهم آنها با عنایت به کلام الهی عبارتند از: عبودیت و عبادت، تقوی، ذکر، امر به معروف، نهی از منکر، کرامت انسان، عبرت‌گیری، تفکر، حیا، تواضع، عدم پذیرش ولایت کفار و مشرکین، عزت، تمایز (عدم تشابه به بیگانگان)، اجتناب از کبر، احسان، ارجحیت معنویت بر مادیت، امنیت، هدایت، اصلاح و آبادی زمین، احتراز از فساد، تعاون و همکاری، شکر، میانه‌روی، هویت و قس علیهذا. این صفات یا خود به صورت مستقیم و به مثابه یک اصل در شهرسازی دخالت دارند و یا این که باید زمینه‌ی ظهور و بروز و تقویت آنها (برای صفات حمیده و پسندیده) فراهم شود و یا این که بالعکس (برای صفات نکوهیده و رذیله) باید زمینه‌ی بروزشان تضعیف و حذف شود.

هـ. اصول و راهبردهای طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت شهر اسلامی (چشم‌انداز شهر آرمانی اسلام):

برای خلق هر اثر، خالق اثر اصولی را مد نظر دارد که خدشه به آنها را مجاز نمی‌شمارد و در عین حال، در هر دوران و در هر سرزمینی، ممکن است به شیوه‌های متناسب آن اصول را به کار بندد. جلوه‌ها و تجلیات (یا به عبارت دیگر، چشم‌انداز) شهر آرمانی اسلام، مشتمل بر راهبردهایی هستند که حاصل تعامل ویژگی‌های مطرح برای «مبانی»، «ارکان»، «اسوه» و «صفات» شهر اسلامی می‌باشند. به

عبارت دیگر، با ملحوظ داشتن همه‌ی ویژگی‌هایی که برای مبانی و ارکان و اسوه و صفات و اجزاء اصلی شهر آرمانی اسلام متصور است و از کلام اسلامی استنباط و استخراج می‌شوند؛ اصول و راهبردهایی تدوین می‌شوند که این مجموعه می‌تواند چشم‌انداز شهر آرمانی اسلام را تبیین نموده و استفاده از آنها، به همراه رعایت شرایط محیطی و زمانی منجر به ظهور شهر آرمانی اسلام خواهد شد. این اصول و راهبردها را می‌توان به عنوان راهنمایی برای طراحی و برنامه‌ریزی و اداره‌ی شهر اسلامی در قلمروهای زمانی و مکانی و فرهنگی متفاوت ملاک عمل و مورد استفاده قرار داد. عناوین این اصول و راهبردها که در طیف وسیعی قابل ارائه‌اند همان عناوینی هستند که در مباحث قبلی (مبانی، ارکان، الگو و صفات) مطرح شدند.

در واقع، همه‌ی اصولی که در این قسمت به عنوان راهبرد و مبانی طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت شهر آرمانی اسلام معرفی می‌شوند؛ اصولی هستند که در جمع با شرایط زمانی و مکانی (مشتمل بر همه‌ی شرایط و امکانات علمی، فرهنگی، اقتصادی، بومی، جغرافیایی، فنی، سیاسی و محیطی)، معیارها و ضوابط شهرسازی اسلامی را به دست می‌دهند. اجمالاً این که، شرایط زمانی و مکانی، مصداق و تجلی کالبدی و عینی اصول را تعیین و تعریف می‌کنند و نسخه‌ی خاص شهر اسلامی، برای آن دوران مشخص و سرزمین خاص معرفی می‌شود.

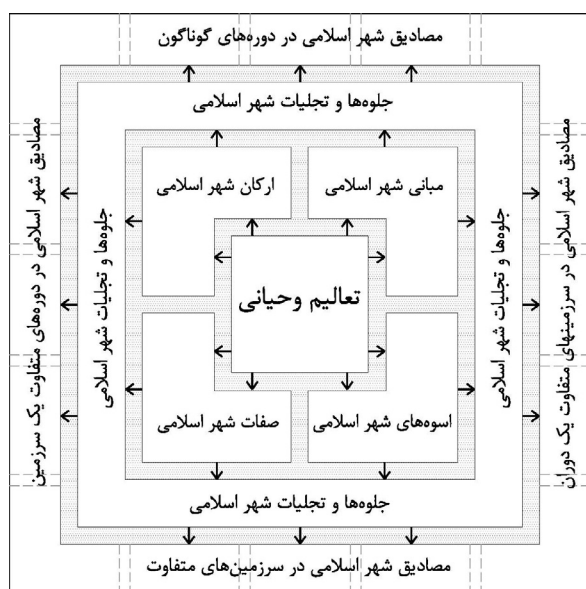
۵. نتیجه‌گیری

با عنایت به موضوعات فوق‌الشاره، مبانی، ارکان، الگو، صفات و اصول شهر آرمانی اسلام، از متن قرآن کریم و آموزه‌های دینی متکی بر کتاب الهی قابل استنتاج و تدوین هستند؛ و می‌توان گفت که شهر آرمانی اسلام یک مفهوم و یک صورت است که مبانی و ارکان و صفات و اسوه‌ی آن از قرآن کریم قابل استنتاج و استنباط است؛ و تحقق آن در عالم خارج، بسته به شرایط زمان و مکان و امکانات در دسترس، تجلیات متفاوتی خواهد داشت. در نتیجه، شهرهای مسلمانان (و حتی شهرهای غیرمسلمانان) در دوران مختلف و سرزمین‌ها و دانش متفاوت، در متجلی ساختن آن، توان متفاوتی دارند. ضمن آن که، هر شهری



و... به شرط عدم تقابل و تناقض با تعالیم و اصول و ارزش‌های اسلامی، مصادق و تجلی و جلوه‌ی خاص خویش را دارد.

به این ترتیب، هر شهری به اندازه‌ای به شهر آرمانی اسلام نزدیک است که بتواند آن شهر آرمانی اسلام که ساخته شده و مدیریت-شده توسط انسان کامل و محل زیست اوست را متجلی و متجسد سازد؛ و عالی‌ترین نسخه‌ی شهر اسلامی، شهری است که فضای حیات طیبه‌ی انسان کاملی است که مطابق آنچه خدایش گفته است و فطرتش به آن می‌خواند در زندگی دنیایی خویش مشی می‌کند؛ و به این ترتیب، آنچه را گذشت در نمودار ۸ می‌توان خلاصه کرد.



نمودار ۸: فرایند ظهور مصادیق «شهر اسلامی» در سرزمین‌ها و دوران مختلف با بهره‌گیری از کلام الهی

بنابراین، درباره‌ی چگونگی استفاده از متون مقدّس نیز با عنایت به جاودانگی و جهانی بودن و البته جامعیت کتاب مقدّس باید متوجّه بود و جزئیات و مصادیق (از قبیل ابعاد و اندازه‌ها و فضاها و فرم‌ها و اشکال) را از آن طلب نکرد؛ بلکه در کتاب الهی باید به دنبال شناخت اصول و معیارهایی بود که بتوانند در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها مصادق خاصّ خود را داشته و بتوانند انسان را در فراهم آوردن محیط ناسب زندگی انسانی‌اش یاری نمایند. و نکته‌ی پایانی این

که شهر اسلامی نامیده می‌شود، به اندازه‌ای اسلامی است (و به الگوی حقیقی و مثالی شهر اصیل و آرمانی اسلام نزدیکتر است) که بتواند جلوه‌گاه مبانی و اصول و ارزش‌هایی باشد که کلام الهی برای جامعه‌ی اسلامی و الهی تعریف نموده است.

بنابراین: هر شهر منتسب به اسلام یا موصوف به اسلامیت: (۱) به اندازه‌ای اسلامی است که طراح و برنامه‌ریز و مدیرش در فضای جهانی توحیدی اندیشیده باشند؛ که این اندیشه منجر به طرح و برنامه و مدیریت شده باشد؛ (۲) به اندازه‌ای اسلامی است که اهل آن در فضای جهانی توحیدی بیندیشند؛

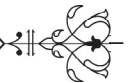
(۳) به اندازه‌ای اسلامی است که مدیران و اهل شهر در فضای فرهنگ بومی (مثلاً در ایران، در فضای فرهنگ ایرانی، منبعث از و متکی بر جهانی توحیدی) عمل و رفتار کنند؛

(۴) به اندازه‌ای اسلامی است که کالبد شهر جلوه‌گاه و بیانگر ارزش‌های مستفاد از تعالیم اسلامی برای زندگی انسان، و منبعث از صفات فعل الهی است.

(۵) و به همان اندازه اسلامی است که امکان مسلمان بودن و مسلمان زیستن و مسلمان ماندن اهل شهر در آن وجود داشته باشد.

(۶) هر شهری، به اندازه‌ای اسلامی است (و به الگوی حقیقی و مثالی شهر اصیل و آرمانی اسلام نزدیکتر است) که بتواند جلوه‌گاه مبانی و اصول و ارزش‌هایی باشد که کلام الهی برای جامعه‌ی اسلامی و الهی تعریف نموده است.

(۷) خلاصه این که هر شهر منتسب به اسلام، به اندازه‌ای اسلامی است که مبانی و اصول و اسوه‌ها و صفاتش مأخوذ و منبعث از تعالیم و حیاتی اسلام باشد. (مثالی ساده موضوع را روشن می‌کند، هر چیز خیس و نم‌دار شده با آب اقیانوس، به اندازه‌ی آبی که از اقیانوس در خود دارد، اقیانوس است). (۸) کلام آخر این که؛ شهر آرمانی اسلام صورتی ذهنی و مفهومی یگانه است که مبانی و ارکان و الگو و صفات آن از کلام الهی قابل دریافت و تدوین است؛ و این «صورت ادراکی» با توجّه به شرایط دوران و سرزمین (اعم از شرایط و امکانات اقتصادی، فن‌آوری، سیاسی، آداب، رسوم، سنن



که شهر آرمانی اسلام منحصر به کالبد و یا زمان خاص یا گروه‌های اجتماعی مشخصی نیست؛ بلکه آنچه که در تعریف این شهر آرمانی ایفای نقش می‌کنند عبارتند از اهل شهر (و باورها و اعتقاداتشان)، فرهنگ (رفتار و و اخلاقیات و قوانین) حاکم بر شهر و نهایتاً کالبد شهر.

Brown -1
Lapidus -2
Kuban -3

- ۴- برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه، ر.ک: نقی‌زاده ۱۳۹۰ و همو ۱۳۸۷.
۵- برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه، ر.ک: نقی‌زاده ۱۳۹۱ و همو ۱۳۹۰.
۶- مثل بسیاری از مردمان که اگر چه ممکن است به شکلی از زندگی و دنیای اخروی باور داشته باشند؛ اما این باورهای با اعتقادات مسلمانان درباره‌ی معاد و آخرت کاملاً متفاوت هستند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌الفصاحه (مجموعه کلمات قصار رسول اکرم ص). ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. ۱۳۷۷. تهران: جاویدان.
۳. ابراهیمی، محمدحسن. ۱۳۷۵. مدخل بحث درباره‌ی شهر اسلامی. مجله‌ی آبادی (۲۲).
۴. ابن‌خلدون، عبدالرحمن. ۱۳۵۹. مقدمه تاریخ ابن‌خلدون. ترجمه‌ی محمدپروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. اسلامی، علی‌ناصر و ماسیمو مورینی. ۱۳۷۵. پرسش پژوهشگران غربی از هویت شهر اسلامی. ترجمه مجید محمدی. مجله‌ی آبادی (۲۲).
۶. افشار نادری، کامران. ۱۳۷۵. مشترکات شهرسازی جهان اسلام. مجله‌ی آبادی (۲۲).
۷. افلاطون. ۱۳۵۳. جمهوری. ترجمه‌ی رضا کاویانی و محمدحسن لطفی. تهران: ابن‌سینا.
۸. آل‌احمد، جلال. ۱۳۴۱. غرب‌زدگی. تهران: انتشارات رواق.
۹. انصاری، مجتبی و مهدی حقیقت‌بین. ۱۳۸۸. باغ‌شهر اصفهان آرمان شهر صفوی. در مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۰. حایری، محمدرضا. ۱۳۷۵. برای اسلامی کردن سیمای شهر چه می‌توان کرد؟ (میزگرد). مجله‌ی آبادی (۲۲).
۱۱. حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۷۷. هزار و یک نکته. تهران: مرکز نشر رجا.
۱۲. دیبا، داراب و مجتبی انصاری. ۱۳۷۶. باغ ایرانی. در مجموعه مقالات کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ج ۲). تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۳. سعید، ادوارد. ۱۳۸۳. شرق‌شناسی. ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. سعید، ادوارد. ۱۳۶۱. شرق‌شناسی. ترجمه‌ی اصغر عسگری خانقاه و حامد فولادوند. تهران: مؤسسه‌ی مطبوعاتی عطایی.
۱۵. شوای، فرانسواز. ۱۳۷۵. شهرسازی تخیلات و واقعیات. ترجمه‌ی سیدمحسن حبیبی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. عاملی، [شیخ] حرّ. ۱۳۸۵. کلیات احادیث قدسی. ترجمه‌ی کریم فیضی. قم: انتشارات قائم‌آل محمد.
۱۷. فارابی، ابونصر محمد. ۱۳۷۹. اندیشه‌های اهل مدینه‌ی فاضله. ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. فارابی، ابونصر محمد. ۱۳۷۶. السیاسة المدنیة. ترجمه و شرح حسن ملک‌شاهی. تهران: سروش.
۱۹. فرجامی، امیر. ۱۳۷۵. برای اسلامی کردن سیمای شهر چه می‌توان کرد؟ (میزگرد). مجله‌ی آبادی (۲۲).
۲۰. قالیباف، محمدباقر و سیدموسی پورموسوی. ۱۳۸۷. شهرهای جهان اسلام و رویارویی با نوگرایی (مدرنیسم). مؤسسه‌ی فرهنگ و رسانه‌ی شهر (shahr.ir).
۲۱. گدار، آندره. ۱۳۴۵. هنر ایران. ترجمه‌ی بهروز حبیبی. دانشگاه ملی ایران.
۲۲. منتظرالقائم، اصغر. ۱۳۸۸. چیستی و چرایی آرمانشهر اسلامی. در مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۲۳. مور، تامس. ۱۳۷۳. آرمانشهر (یوتوپیا). ترجمه‌ی داریوش آشوری و نادر افشاری. تهران: خوارزمی.
۲۴. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۳. باغ ایرانی از خیالات تا واقعیات. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.



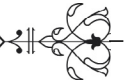


۲۵. نقی زاده، محمد. ۱۳۹۱. شهر بیداری (اصول، شیوه‌ها، جلوه‌ها). تهران: واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۶. نقی زاده، محمد. ۱۳۹۰. شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبیه. تهران: نشر شهر.
۲۷. نقی زاده، محمد. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات). اصفهان: انتشارات مانی.
۲۸. نقی زاده، محمد. ۱۳۸۵. معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). اصفهان: راهیان.
۲۹. نقی زاده محمد و بهناز امین زاده. ۱۳۸۴. فهرست موضوعی کلام الهی (در زمینه‌ی شهرسازی. معماری. هنر. محیط زیست و علوم اجتماعی). اصفهان: راهیان.
۳۰. وست، ویکتوریا سکویل. ۱۳۳۶. باغ‌های ایرانی در کتاب میراث ایران (زیر نظر ا. ج. آربری). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۱. ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۸۴. باغ‌های ایران و کوشک‌های آن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

References

1. *Holy Quran*
2. *Nahj al-Fasahah*. 1377. Translated by Abolghasem Payande. Tehran: Javidan.
3. Afsharnaderi, Kamran. 1375. Commonalities of islamic world urbanism. *Abadi* (22).
4. Al-e-ahmad, Jalal. 1341. *Plagued by the West (Gharbzadegi)*. Tehran: Ravagh Publications.
5. Ameli. Sheikh Horr. 1385. *Ahadis al-Qodsi*. Translated by Karim Feyzi. Qom: Ghaem Al Muhammad Publications.
6. Ansari, Mojtaba and Mahdi Haghghatbin. 1388. Isfahan garden city safavid utopia. In *First Conference on Islamic Utopia*. Isfahan: Isfahan University.
7. Brown, Carl L. (ed). 1973. *From Madinah to Metropolis: Heritage & Change in the Near Eastern City*. New Jersey: The Darwin Press.
8. Choay, Françoise. 1375. *Urbanism, fantasy and reality*. Translated by Seyyed Mohsen Habibi. Tehran: Tehran University.
9. Diba, Darab and Mojtaba Ansari. 1376. Iranian garden. In *Congress on history of architecture and Urbanism of Iran*. Tehran: Cultural Heritage Organization.
10. Ebne Khaldun, Abd al-Rahman. 1359. *Preface in Ebne Khaldun's history*. Translated by Muhammd Parvin Gonabadi. Tehran: Bongah-e Tarjome va Nashr-e Ketab.
11. Ebrahimi, Muhammad Hasan. 1375. Preface in discussion about islamic city. *Abadi* (22).
12. Eslami, Ali Naser and Masimu Morini. 1375. Western researchers' question about the identity of islamic city. Translated by Majid Muhammadi. *Abadi* (22).
13. Farabi, Abu Nasr Muhammad. 1379. *Thoughts of people from Madinah Fazelah*. Translated by Seyyed Jafar Sajjadi. Tehran: Ministry of Islamic Culture.
14. Farabi, Abu Nasr Muhammad. 1376. *Al-Siasah al-Madinah*. Translated by Hasan Malekshahi. Tehran: Soroush.
15. Farjami, Amir. 1375. What can be done to islamize the image of the city? *Abadi* (22).
16. Ghalibaf, Muhammad Bagher and Seyyed Moosa Poormoosavi. 1387. *Cities of Islamic world and facing modernism*. Farhang va Resaneye Shahr Institute (shahr.ir).
17. Godard, André. 1345. *Art of Iran*. Translated by Behrooz Habibi. National University of Iran.
18. Haeri, Muhammd Reza. 1375. What can be done to islamize the image of the city? *Abadi* (22).
19. Hasanzade Amoli, Hasan. 1377. *1001 Points*. Tehran: Raja Publication Center.
20. Kuban, Dogam. 1980. Prepared Community. In *Toward an Architecture in the Spirit of Islam*, ed. Holod Renata. Philadelphia: The Age Khan Awards.
21. Lapidus, Ira. 1973. *Traditional Muslim Cities: Structure and Change*. In *From Madinah to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City*, ed. Carl Brown. Princeton. New Jersey: The Darwin Press.
22. Montazerl al-Qaem, Asghar. 1388. What and how in Islamic utopia. In *First Conference on Islamic Utopia*. Isfahan: Isfahan University.
23. More, Thomas. 1373. *Utopia*. Translated by Daryush Ashoori and Nader Afshari. Tehran: Kharazmi.
24. Naghizade, Muhammad. 1393. *Iranian garden from fantasies to realities*. Tehran: Jahade Danesghahi Publications.
25. Naghizade, Muhammad. 1391. *Awakening city (principles, methods, displays)*. Tehran: Science and Research





Branch of Islamic Azad University.

26. Naghizade, Muhammad. 1390. *Utopia of islam or space of hayete tayyebe*. Tehran: Shahr Publications.
27. Naghizade, Muhammad. 1387. *City and islamic architecture (expressions and objectives)*. Isfahan: Mani Publications.
28. Naghizade, Muhammad. 1385. *Islamic architecture and urbanism (theoretical foundations)*. Isfahan: Rahian.
29. Naghizade, Muhammad and Behnaz Aminzade. *Thematic index of the words of Allah (in the fields of urbanism, architecture, art, environment and social science)*. 1384. Isfahan: Rahian.
30. Plato. 1353. *The Republic*. Translated by Reza Kaviani and Muhammad Hasan Lotfi. Tehran: Ebne Sina.
31. Said, Edward. 1383. *Orientalism*. Translated by Abd al-Rahim Govahi. Tehran: Daftare Nashre Farhange Islami.
32. Said, Edward. 1361. *Orientalism*. Translated by Asghar Asgari Khanghah and Hamed Fuladvand. Tehran: Atayee Press Institute.
33. West, Victoria Sackville. 1336. *Iranian gardens in the book of heritage of Iran*. Tehran: Bongah-e Tarjome va Nashr-e Ketab.
34. Wilber, Donald Newton. 1384. *Gardens of Iran and palaces of it*. Tehran: Elmi va Farhangi Publications.





The “Quranic Teaching” and the “Ideal Islamic City”

Mohammad Naghizadeh*

Science and Research branch of Islamic Azad University

Received: 07/01/2015

Accepted: 08/09/2015

“Surely this Quran guides to that which is most upright...” (The Holy Quran, 17: 9)

Abstract

Despite many scholars in various domains including scientific, academic, professional and political fields talking about “Islamic city” and “Islamic ideal city” (Utopia), there is not a specific definition for “Islamic city” based on sacred Islamic texts. In other words, a variety of definitions and attributes of the “Islamic ideal city” are spread in texts based on different backgrounds and study domains of researchers. However, it seems that the appropriate definition for the “Islamic ideal city” as well as its essential and main attributes should be derived from the Islamic fundamental sacred texts, especially from the Holy Quran.

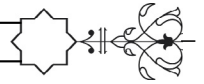
Moreover, to explain and clarify the definition of any phenomenon, its main attributes should be recognized and classified. The fundamental attributes for the Islamic ideal city include “foundations”, “pillars”, “ideal model”, “characteristics” and “principles” which should be derived from the Holy Quran. Indeed, this article endeavors to discover and recognize these attributes for the Islamic city by benefiting the Quranic teaching, with which the Islamic ideal city can be defined.

In other words, the basic hypothesis of the article is: “attributes and definition of Islamic City (Islamic Utopia) can be derived from the Holy Quran.” Obviously, considering the comprehensiveness, everlasting and universality of Islam (and its Holy book: Quran) the definition and attributes of the Islamic city are fundamental and essential for all times and all places but their manifestations in different places and eras are subjected to cultural issues, environmental conditions, economic situations, available technology and other conditions of the specific era and place.

The article responds to the following questions:

1. What is the research method for recognizing the main attributes of the Islamic city from the Holy Quran?
2. What is the definition of Islamic City?
3. What are its main attributes according to Quranic teachings?

According to the background of different parts of the study and its issues, a variety of research methods such as discovery, commentary, deduction and analysis will be used.



To explain the manner of achieving the main goal of the study, it is useful to bring about a brief explanation about the main issues recognized from the Holy Quran.

As mentioned above, there is not an agreed definition for the very important term of “Islamic city.” It seems that the best and the most appropriate definition for “Islamic city” should be derived from the basic Islamic sacred texts, especially from the Holly Quran. The first stage in proposing the definition of this term is recognition of its foundations, definition of its pillars, its paradigm, its attributes and classification of its principles.

There are essential and important points which should be considered in Islamic built environment:

1. Islamic architecture and urban design need to be based on specific Islamic theoretical bases derived from Islamic sacred texts.
2. The Holy Quran is the main source of criteria and guidance for all Muslim activities including Islamic architecture and urban design and their theoretical bases.
3. The Holy Quran does not directly indicate details but timeless values and principles are indicated for creating an appropriate built environment for Muslim life.
4. Although attributes of Muslim acts and products should be derived from the Holy Quran, the main questions are:

- How can Muslim benefit from the Holy Quran in the field of architecture and urban design?
- What are the main principles and values and their original models which have to be considered in Islamic architecture and urban design? and
- Are there any relevant comments and basic principles and values on Islamic architecture and urbanism in the Holy Quran?

This study has been done with the attempt to respond to these important questions. It will endeavor to recognize and introduce those verses of the Holy Quran which indicate attributes of the Islamic built environment for Muslim life. Indeed, a series of principles and their application will be presented in order to design and identify those Islamic architecture and urban design by which Islamic built environment can be demonstrated.

The subjects and issues which clarify the attributes of these principles can be classified in seven categories:

I. Islamic Principles and Values:

The Islamic Divine Book indicates many principles and values which should be considered in all Muslim acts and activities. These principles and values are the main concern of Muslims and should predominate over their activities and include: tawhid, tasbih, dhikr, ibrah, islah and so on.

II. Universal Principles and Values:

Universal principles need to be considered in Islamic architecture and urban design. The relevant values and principles are introduced by indicating the reference verses of the Holy Quran. Justice, balance, hierarchy, truth, beauty, freedom and so on are the most important of universal principles.

III. Attributes of Allah's Acts

According to the Holy Quran, Man is the vicegerent of God on earth. Therefore attributes of Man's acts should be similar to the attributes of God's acts. Human who is the vicegerent of God





must represent those qualities and seek the best way to creation and maintenance of a suitable environment for life and development of the earth, and his (or her) actions and activities must also be harmonized with the universal principles established by God. In other words, attributes of Allah's acts (as an original and basic model for human activities) are explored and introduced in this section by paying deep attention to the Holy Quran.

IV: Nature and Natural Elements

Man lives and acts on earth by benefiting from nature and natural elements. Recognition of spiritual meaning and material benefits of nature and natural elements are two important points which should be considered in human activities and relationships between man and nature. The spiritual and symbolic meaning of natural elements and their relationships with Man and his architecture and urban design are recognized and introduced by considering relevant verses of the Holy Quran.

V: Regulation of Social Relationships

The fifth section will deal with Man and his relationship with the society and those attributes by which a Muslim society can be manifested. Therefore, those verses of the Holy Quran that have expressed the attributes of Muslim society (ummah) and the effects of these attributes on Muslim architecture and urban design are discussed in this section.

VI. Ethics Islamic Values

Islamic teaching has introduced many moral values including two main parts: those that should be respected, and those which must be avoided. An appropriate city for Muslim life has to help people to live in the city according to these moral values.

VII. Attributes of the Built Environment

Those verses of the Holy Quran which indicate the elements and attributes of the built environment as well as their relationships with human beings have been gathered in this category.

VIII. Architectural and Urban Elements

The Holy Quran indicates many architectural and urban elements by which some Islamic architectural attributes can be recognized. This category includes the relevant verses that indicate suitable or unsuitable attributes of architectural elements which may contribute to identification of Islamic architecture and urban design.

Essential, basic and timeless principles for Islamic architecture and urban design will be flourished by paying deep attention to those verses of the Holy Quran which are collected here. These concepts, elements and words are related to one or more of the seven items mentioned above, such as Muslim society (individual, family, and neighbors), Muslim architecture, nature, natural elements, architectural timeless principles, symbols and signs and other relevant subjects. Indeed, this index is so comprehensive as to be used by not only architects and urban designers but also artists, environmentalists, social scientists and so on.

“Wa ma tawfiqi illa billah: And my success can only come from Allah” (The Holy Quran, 11:88)”

Keywords: Islamic ideal city, Islamic city, Sacred texts, Culture, City.



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Abdol Hamid Noghreh Kar

Administrative Director:

Mohammad Mannan Raeesi

Administrative assistant:

AmirHosein Yousefi

Persian literary Editor:

Sara Motevalli

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmacil Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

Design assistant: AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume3, Number6:

Bahman Adibzadeh, Associate professor, Shahid Beheshti University
Hossein Esmaceli Sangari: Research Center of State Cultural Heritage Organization

Azita Balali Oskuie: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Mohammad Reza Bemanian: Professor, Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor, Iran University of Science and Technology

Mahdi Khakzand: Assistant professor, Iran University of Science and Technology

Leila Rahimi: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Ehsan Ranjbar: Assistant Professor, Tarbiat Modares University

Zahra Rahbarnia: Associate professor, Alzahra University

Mohammad Manan Raesi: Assistant Professor, Iran University of Science and Technology

Mohammad Hosein Zakeri: Assistant Professor, Shiraz University

Reza Sameh: Assistant Professor, Imam Khomeini International University

Minoo Gharabeiglu: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Ali Omranipur: Assistant Professor, kashan University

Mohamad Bagher Kabirsaber: Assistant Professor, University of Tehran

Mansureh Tahbaz: Associate Professor, Sahid Beheshti University

Jafar Taheri: Assistant Professor, Ferdosi University

Abolfazl Meshkini: Assistant Professor, Tarbiat Modares University

Ghasem Motalebi: Assistant Professor, University of Tehran

Fatemeh Mehdizadeh Seraj: Associate Professor, Iran University of Science and Technology

Seid Rasool Moosavi Haji: Associate Professor, Mazandaran University

Salahedin Molanaei: Assistant Professor, University of Kurdistan

Masood Nari Qomi: Lecturer, Kashan University

Ahad Ebrahimi Nezhad: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Tahereh Nasr: Assistant Professor, Shiraz University

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University

Parisa Hashempur: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art

Behzad Vasiq: Assistant Professor Jondy Shapoor University

Masumeh Yaghubi: Assistant Professor, Islamic Azad University





- ▣ **Various Types of Islamic City and Pointing Out to Defining the Major Aspects of Ideal Islamic City**
Mohammad Reza Pourjafar / Ali Pourjafar / Sima Safdari

- ▣ **Conceptual Refining and Solutions (Strategies) Description and Substantiation Indicators of Four Principles of Mosque based, Neighborhood based, Introversion and Naturalism in Iranian-Islamic City**
Abolfazl Meshkini / Mahdi Hamzehnejad / Akram Ghasemi

- ▣ **Manifestation of Introversion Concept in Iranian Bazaars**
Hassan Sajadzadeh / Roya Etesamian / Leila Khazaei

- ▣ **The “Quranic Teaching” and the “Ideal Islamic City”**
Mohammad Naghizadeh

- ▣ **The Effect of the Cemeteries in the Development of Urban Structure of Tabriz City since Ilkhanid Era to Safavid Era**
Lida Balilan Asl / Fahimeh Doustar

- ▣ **Examining the Layout of the Yard in the Historical Mosques of Shiraz**
Zahra Tavakolian / Sara Bahmani Kazerooni

- ▣ **The Content of Quranic Inscriptions Used in Ilkhanid Altars**
Atefeh Shekofteh

- ▣ **A Research on Two Octagonal Domed Tombs of Keshit and Nask in Golbaf, Kerman**
Mohammad Ebrahim Zarei / Yadollah Heidari Babakamal / Majid Montazer Zohori